



نقض حقوق شهروندی مهاجرین افغانی را محکوم کنیم!



صادق کار /

می‌کند و آنها را از هر نوع حق و حقوقی محروم نگاه داشته. متأسفانه طی ده سال گذشته، فشار و تبعیض و شانتاژ برنامه‌ریزی شده علیه مهاجرین افغانی به شکل مضاعفی با هدف زمینه‌سازی اجتماعی برای اخراج آنها توسط دولت تشدید شده که سبب‌ساز شوریدن بخش بیشتری از جامعه به ویژه بخش کم‌آگاه‌تر گردیده و بازتاب آن را در برخوردهایی که به شدت آلوده به نژادپرستی‌اند و مشاهده‌ی آنها وجدان هر انسان آزاده و عدالت‌خواهی را به درد می‌آورد می‌شود دید.

روزی در رسانه‌های داخل کشور می‌خوانیم که در شیراز، مقامات استانداری تردد مهاجرین افغانی، را ممنوع کرده‌اند! هنوز یکی دو ماه از اعلام آن نگذشته، بعضی رسانه‌ها خبر از اقدام مشابه مسئولین در استان مازندران می‌دهند و در همان حین یک فیلم ویدئویی از رفتار فاشیستی یک افسر نیروی انتظامی با عده‌ای از مهاجرین افغانی در یوتیوب قرار می‌گیرد که رفتار نازی‌ها در اردوگاه‌های کار اجباری با اسیران یهودی و مخالفان فاشیسم را در ذهن تداعی می‌کند. برای ما مثل روز روشن است که این‌گونه برخوردها با مهاجرین و پناهندگان جامعه را علیه آنها تحریک خواهد کرد و به کارفرمایان فرصت خواهد داد تا استثمار کارگران افغانی را تشدید و دستمزدهای‌شان را که هم‌اکنون نصف حداقل رسمی دستمزدهاست باز هم کاهش دهند و عرصه را بیش از پیش، بر زحمت‌کشان مهاجر و بی‌پناه تنگ نمایند.

علل برخورد مسئولین حکومتی برای بسیاری از ایرانیان روشن است، آنها تخم کین و تفرقه می‌کارند تا اذهان مردم را از واقعیات منحرف نمایند و بخشی از نارضایتی گسترده‌ی اجتماعی را به کانال‌های فرعی هدایت کنند. متأسفانه گاهی این ترفندها کارگر واقع می‌شوند و بخشی از جامعه را که انسان انتظارش را نمی‌کشد، به دنبال خود می‌کشاند.

راجع به استثمار مضاعف کارگران و مهاجرین افغانی مقیم ایران و پایمال‌سازی بدیهی‌ترین حق و حقوق انسانی‌شان و رفتار غیر انسانی و آلوده به نژادپرستی مسئولین دولتی، کارفرمایان، تشکل‌های فرمایشی کارگری و بخش وسیعی از جامعه و دهشتناکی شرایط کاری و زندگی‌شان تاکنون بسیار گفته شده و شنیده‌ایم. می‌دانیم گفته‌اند و نوشته‌اند و شنیده‌ایم، که، عده‌ی زیادی از برج‌سازان، معدن‌داران، صاحبان مرغداری‌ها و گاوداری‌ها، آجرپزی‌ها، صاحبان بخش رسمی و غیر رسمی موسسات اقتصادی و خدماتی، از استثمار مضاعف مهاجرین افغانی که اغلب‌شان به خاطر فرار از جنگ‌های تحمیلی ناخواسته، ترور باندهای ارتجاعی تروریستی شریعتمداران جنایت‌کار طالبانی و ناامنی جانی به ناگزیر ترک یار و دیار نموده، به ایران مهاجرت کرده و پناهنده شده‌اند، به ثروت‌های هنگفت دست یافته‌اند.

می‌دانیم که بسیاری از بناها، سد‌ها و جاده‌ها با سوءاستفاده‌ی سودجویان از نیروی کار ارزان مهاجرین افغانی خلق شده و می‌شوند و استثمار مضاعف آنها ثروت هنگفتی را برای مؤسسات و کارفرمایان خصوصی و غیر خصوصی ایجاد کرده است. حتی از کسانی که بارها آنان را تهدید به اخراج و جریمه کرده و می‌کنند و گناه آمار بالای بیکاری را به گردن آنها می‌اندازند و سعی می‌کنند مزورانه کارگران افغانی و ایرانی را که هر دو به درجاتی متفاوت استثمار و حقوق‌شان توسط دولت و کارفرمایان پایمال می‌شود، به جان هم بیندازند، به کزات شنیده‌ایم که گفته‌اند با رفتن کارگران افغانی از ایران بسیاری از کارها لنگ می‌ماند.

اطلاع داشته و داریم که حتی با گذشت بیش از ۲۰ سال از اقامت و داشتن پروانه‌ی کار صدها هزار تن از مهاجرین افغانی، هنوز دولت از دادن تبعیت ایرانی به آنان پرهیز



ننگ برخورد نژادپرستانه را به نیروهای ناسیونالیست ارتجاعی و بازماندگان از پیشرفت تمدن بشری وانیمیم و افتخار مبارزه با این نوع گرایش‌ها را هم‌چنان برای جنبش کارگری محفوظ داریم که آینده و سعادت بشر نه در آن بلکه در این است!

تجربه دیگران

اتحادیه‌های کارگری در امریکا – بخش هفتم و آخر

اریک اولین رایب و جول راجرز

پیامدهای سیاسی اُفت اتحادیه‌ها

بسیاری از مفسران پیامدهای اقتصادی اُفت اتحادیه‌های را بررسی کرده‌اند. مثلاً اُفت اتحادیه‌ها غالباً به عنوان یکی از علل افزایش نابرابری درآمدها از پس از سال‌های ۱۹۷۰ نامیده می‌شود. اتحادیه‌های قوی تمایل دارند معیارهای نسبتاً محکمی را برای نوسان دستمزدها وضع کنند و این اقدام دامنه‌ی نابرابری‌ها را تقلیل می‌دهد. اما پیامدهای سیاسی اُفت اتحادیه‌ها و اثرات آن بر دموکراسی امریکایی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

به نظر می‌رسد دو مورد دارای اهمیت بسیارند: اول، پیامدهای اُفت اتحادیه‌ها در امر مشارکت سیاسی طبقه‌ی کارگر، و دوم، اثرات آن بر اولویت‌ها و مشی سیاسی حزب دموکرات امریکا.

اُفت اتحادیه‌ها مهم‌ترین مبنای مشترک برای داشتن گروه منسجمی از رأی‌دهندگان در میان طبقه‌ی کارگر را از میان برداشت. اتحادیه‌ها در برابر فشار بازار و زندگی خصوصی شده در درون طبقه‌ی کارگر، وزنه‌ی تعادل جمع-بنیاد سیستماتیک را ایجاد می‌کنند. اتحادیه‌ها تجربیات خرد و ریز کارگران در محل کارشان را به هم پیوند می‌دهند و به این ترتیب به ارگانی جمعی شکل می‌بخشند. این گامی اساسی در روند ارتباطی با تحولات سیاسی به عنوان یک طبقه است. نکته در این‌جا فقط این نیست که اتحادیه‌ها عامل متقابل در برابر گرایش‌های در میان افرادند که به روش‌های انفرادگرایانه عمل می‌کنند و به سیاست‌گریزی دامن می‌زنند، بلکه اتحادیه‌ها به تکوین هویت، در قالب‌های طبقاتی کمک می‌کنند. یک جنبش نیرومند اتحادیه‌ای، هم برای افزایش مشارکت سیاسی کارگران دارای اهمیت اساسی است و هم برای آن که این مشارکت سیمای مشخص کارگری داشته باشد.

از هرچه بگذریم، این کاملاً ممکن است که کارگرانی در مسیرهایی تماماً نامرتبط به موقعیت طبقاتی‌شان پا در سیاست بگذارند. کارگران می‌توانند در انجمن‌های گوناگونی حضور فعال داشته باشند و هویت سیاسی‌شان بر پایه‌ی مذهب، قومیت، داشتن سلاح یا بسیاری موضوعات دیگر تعیین شود.

تنبیه و شکنجه‌ی ضد انسانی و ضد اخلاقی و لرزاننده‌ی دو دانش‌آموز خردسال افغانی در یکی از مدارس ورامین که به تازگی از پرده بیرون افتاد و عده‌ی زیادی از اهل وجدان را در شوک فرو برد، نمی‌تواند بری از تأثیرات تبلیغات و روی‌کرد مسئولین روی داده باشد.

این واقعه‌ی دردناک که چنین وجدان اکثریت جامعه را لرزاننده چیزی جز یک سقوط فرهنگی و بی‌تمدنی عیان که بخشی از تأثیرات مخرب کارکرد رژیم در حوزه‌ی فرهنگی است نیست. این‌گونه رخدادها را باید به‌خصوص ما کارگران و نیروهای چپ که دشمن هر نوع تبعیض و نژادپرستی و برتری‌جویی هستیم جدی بگیریم و چون گذشته با کار آگاه‌گرانه اجازه ندهیم چون لکه‌های ننگی در فرهنگ جامعه رخنه و جا خوش کنند و ارتجاع حاکم و کارفرمایان از آن بر علیه ما و خواهران و برادران مهاجر افغانی‌مان که اکثر قریب به اتفاق‌شان کارگر و مانند ما استثمار می‌شوند سوءاستفاده کنند و ما را به جان هم بیندازند. اگر امروز ما چنین اعمالی را محکوم و با آن مقابله نکنیم، فردا بعید نیست در جامعه‌ای که روزبه‌روز در جهت طبقاتی و قطبی شدن بیشتر پیش می‌رود با فرزندان ما برخوردهای مشابهی صورت بگیرد.

اگر کارگر افغانی با دستمزد کمتر حاضر به کار می‌شود، از روی ناچاری است. یقیناً به همین دلیل ضدیت این کارگران با استثمار و پایمال‌سازی حقوق‌شان توسط کارفرمایان، بیش از ماست. این یک نکته‌ی مثبت است که باید آگاهانه از آن برای تقویت جنبش کارگری از طریق دفاع از حقوق آن‌ها و جلب‌شان به همکاری و هم‌بستگی با جنبش کارگری علیه استثمار و سوءاستفاده‌ی کارفرمایان بهره گرفت. وجود مهاجرین افغانی در ایران، بر خلاف تبلیغات مغرضانه و زهرآگین تشکلهای وابسته‌ی دولتی که بیشتر در راستای دفاع مستقیم از برخورد دولت و شوراندن بخش کم‌آگاه طبقه‌ی کارگر علیه کارگران افغان است، در دراز مدت سبب تقویت جنبش کارگری خواهد شد. تسلیم ناگریز کارگران افغانی به کارفرمایان دیرپا نخواهد بود. برقراری مناسبات برادرانه، از طریق درست کردن محافلی در میان مهاجرین افغانی، همراه با دفاع قاطعانه از حقوق و برخوردار شدن‌شان از حقوق شهروندی، آن سیاست درستی است که ما فعالین جنبش کارگری باید پیگیری کنیم تا با کمک آن بتوانیم مانع سوءاستفاده‌ی کارفرمایان از کارگران افغانی برای پایین نگه داشتن سطح دستمزدها شویم.

استثمار و پایمال‌سازی حقوق کارگران ایران با آمدن کارگران مهاجر افغانی شروع نشده که با رفتن آن‌ها خاتمه پیدا کند. روزگاری که تقریباً بازار کار ایران از وجود کارگران خارجی تهی بود، کارگران ایران مشکلات‌شان کمتر از امروز نبود. با بیرون کردن کارگران افغانی هم مشکلات کارگران ایران خاتمه نخواهد یافت. مشکلات ما تنها در پرتو هم‌بستگی فارغ از هر نوع تبعیض، نژادگرایی و سازمان‌یابی آگاهانه است که می‌تواند بر طرف شود.



امریکا است. برای تحقق این نوسازی به نحوی پایدار، تغییر در محیط قانونی برای فعالیت اتحادیه‌ای، دارای اهمیت اساسی است.

انجمن‌ها برای مشارکت سیاسی دارای اهمیت بسیارند، اما انجمن بر بنیان طبقه، فقط یکی از این بسیارهاست.

📖 اخبار خارجی:

امریکا

افزایش حداقل دستمزد و اثر آن بر ۱۴۰۰ شعبه‌ی «والمارت»

رویتر، ۲۴ دسامبر ۲۰۱۴

افزایش حداقل دستمزدها در سراسر امریکا فروشگاه زنجیره‌ای الومارت را وامی‌دارد که حقوق کارگانش را در ۱۴۳۴ شعبه، یعنی حدود یک‌سوم کل شعبات الومارت در امریکا، بر دستمزدهای جدید منطبق کند. این خبر در یک مکتوب داخلی الومارت، که نسخه‌ای از آن به رویتر ارسال شده، آمده است.

مکتوب مذکور، که برای مدیران شعبات الومارت فرستاده شده، پیامدهای افزایش حداقل دستمزدها در ۲۱ ایالت امریکا را برای آنان تشریح کرده است. افزایش حداقل دستمزد از نخستین روزهای سال ۲۰۱۵ در ایالات ۲۱-گانه به اجرا درخواهد آمد.

پیامد اصلی محدود به افزایش دستمزد، که الومارت و دیگر کارفرمایان هر ساله باید اعمال کنند، نیست. بلکه میزان تغییر دستمزدها توجه فزاینده‌ای را به خود جلب کرده است. ۱۳ تا از ایالات امریکا دستمزد حداقل را در سال ۲۰۱۳ از هشت دلار در ساعت (در سال ۲۰۱۲) به ۱۰ دلار در ساعت افزایش داده‌اند، و در سال ۲۰۱۴ نیز باز اقدام به افزایش مشابهی کرده‌اند.

سخن‌گوی الومارت، بروک بوچانان، می‌گوید: "شرکت در کار تغییرات لازم است تا مطمئن شود که شعبات ما در ۲۱ ایالت برابر قانون عمل می‌کنند."

برای الومارت، بزرگ‌ترین کارفرمای خصوصی در ایالات متحده با ۱/۳ میلیون کارگر، انطباق حداقل دستمزد بر مقدار قانونی آن کار کوچکی نیست. مدل عملیاتی این شرکت بر پایه‌ی پایین نگهداشتن هزینه‌ها زیر کنترل سفت و سخت است. این مدل که مشتریان کم‌درآمد را جلب می‌کند، مستلزم مدیریت عملیات با امکان بازی در حاشیه‌های باریک است. در سال‌های اخیر، که بسیاری از امریکاییان کم‌درآمد در اثر بحران اقتصادی حاکم بر این کشور کار یا منبع درآمدشان را از دست داده‌اند، الومارت برای افزایش فروش با مشکل روبرو بوده است.

در چنین موقعیتی بروز دو اتفاق بسیار محتمل است. بسیاری از کارگران تماماً از سیاست می‌برند. سیاست به امری دور از دسترس و نامرتب به زندگی آنان تبدیل می‌شود، و وظیفه‌ی شهروندی قدرت‌مندی برای مشارکت در پروسه‌های دموکراتیک حس نمی‌شود. این یک امکان است. امکان دیگر این است که هویت سیاسی آنان از طریق انجمن‌های دیگری تعیین یابد. این روند یکی از توضیحات افزایش آرای جمهوری‌خواهان در میان طبقه‌ی کارگر در دهه‌های پایانی قرن بیستم است، که حول ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی محافظه‌کارانه بسیج شدند. با اُفت اتحادیه‌ها، انجمن‌های اصلی باقیمانده‌ی محل مشارکت کارگران، کلیساها بودند و چون «کلیساهای کارگری» غالباً گرایش‌های اجتماعی محافظه‌کارانه‌ای دارند، این واقعیت محتملی برای جابه‌جایی هویت سیاسی و وفاداری بخش‌هایی از طبقه‌ی کارگر شد.

اُفت اتحادیه‌ها نه فقط طرقی را که به هویت سیاسی طبقه‌ی کارگر شکل داده‌اند، متأثر می‌کند، بلکه همچنین از فشار وارد بر حزب دموکرات برای حمایت از منافع طبقه‌ی کارگر می‌کاهد. هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه، به دلیل الزامات مالی کارزارهای انتخاباتی، ناگزیراند در پی جلب حمایت ثروت‌مندان و بسیاری شرکت‌ها باشند. اتحادیه‌ها از دهه‌ی ۱۹۳۰ به این سو، ایجادگر وزنه‌ی تعادلی در برابر نقش پول در شکل دادن به دستورکار سیاسی حزب دموکرات بوده‌اند. در دموکراسی امریکا دو طریق اصلی برای گروه‌های مردم وجود دارند تا بتوانند به نحوی سیستماتیک بر سیاست اثر بگذارند: یک طریق مبتنی است بر "تمایل برای پول دادن" و دیگری بر "تمایل برای عمل". شرکت‌ها و افراد ثروت‌مند برای اثر گذاشتن بر سیاست از راه اول عمل می‌کنند. اتحادیه‌ها یکی از مهم‌ترین ابزارهای راه دوم‌اند. اُفت اتحادیه‌ها به این معنا است که تأثیر آن‌ها بر حزب دموکرات و بر دستورکار آن نیز، در قیاس با تأثیر شرکت‌های بزرگ، رو به کاهش داشته است.

این جابه‌جایی در تعادل نیروهای سازمان‌یافته در حزب دموکرات به دور کردن آن از یک دستورکار و نزدیکی به دستورکار دیگری انجامیده است. دوری از دستورکاری که در مدلی از یک دولت اثباتی ریشه داشت که نسبت به نابرابری، فقر و توسعه‌ی شهری بی‌تفاوت نبود؛ و نزدیکی به دستورکاری مشترک با جمهوری‌خواهان، که شاخص آن گریز از مالیات‌ها و مقررات‌زدایی از بازار است. حوالی سال‌های ۱۹۹۰ رییس‌جمهور دموکرات امریکا توانست "پایان دوران دولت بزرگ" را اعلام کند. معکوس کردن این روند از طریق احیای جنبش کارگری، یکی از شرایط ضرور نوسازی دموکراسی



(امریکن ایرلاینز) اعلام کرد که به یمن افزایش قابل توجه سود این شرکت در اثر کاهش قیمت نفت، در صدد است چهار درصد دیگر به حقوق خدمه پرواز این شرکت بیافزاید. این افزایش چهار درصدی، اضافه بر افزایش اخیر دستمزد کل کارکنان این شرکت است که به طور متوسط بالغ بر ۱۰ درصد می‌شود.



عکس از اعتصاب کارکنان شرکت هواپیمایی امریکن ایرلاینز

دوگ پارکر، مدیرعامل شرکت مذکور، در نامه‌ای به کارکنان آن نوشته است: "سود سرشار شرکت در سال ۲۰۱۴ به ما اجازه می‌دهد که حقوق خدمه پرواز را باز هم بیشتر افزایش دهیم. با تصویب قراردادهای کارکنان دیگر قسمت‌ها، آنان نیز شاهد بهبود دستمزدهای‌شان خواهند شد.

سقوط قیمت‌های نفت موجب کاهش قابل توجه هزینه‌های حمل و نقل مسافران توسط این بزرگ‌ترین شرکت هوایی جهان شده است. به علاوه امریکن ایرلاینز، توانسته است در قیاس با رقبایش از وضع پیش آمده سود بیشتری ببرد، زیرا پیش‌تر از این در برابر افزایش قیمت‌ها سد و حصار نکشیده بود.

اتحادیه‌های کارگری از پارکر خواسته بوده‌اند که کمبود دستمزدها را به تناسب نتایج کار شرکت (سهیم کردن سود شرکت) جبران کند. اما پارکر با سهیم کردن کارگران در سود شرکت مخالفت کرده است. خطوط هوایی دلتا، خطوط هوایی متحده و خطوط هوایی جنوب غربی به این روش عمل کرده‌اند.

پارکر در نامه‌ای [به اتحادیه‌ها] که در اختیار رویتر قرار گرفته است، نوشته است: "راه‌های مختلفی برای مشارکت در موفقیت‌ها وجود دارند. اما به نظر ما بهترین روش برای تعیین دستمزدها، سیستم پاداش به نرخ رایج صنایع راهبر است و نه دادن دستمزدی پایین و هرازگاهی تکمیل آن با سود شرکت، که دائماً دست‌خوش تغییر است.

این افزایش دستمزدها دیدگاه امریکن ایرلاینز را نسبت به روابط کار آشکار می‌کند؛ دیدگاهی که غالباً به عنوان مانعی بر سر ادغام آن با دیگر خطوط هوایی تلقی شده است.

مکتوب داخلی والمارت حاکی از آن است که تغییراتی در ساختار دستمزدهای آن اعمال خواهند شد؛ مثلاً فاصله‌ی میان حداقل حق بیمه‌ی کارگران ماهر و کارگران ساده تقلیل داده خواهد شد.

والمارت هم‌چنین در صدد است سه پایین‌ترین پایه‌های حقوقی‌اش را، به یک پایه تبدیل کند.

به نظر مدیر یکی از شعبات والمارت، که باید این تغییرات را در شعبه‌ی تحت مدیریت‌اش اعمال کند، این تغییرات برای جبران هزینه‌هایی‌اند که افزایش دستمزدها موجب خواهد شد.

او می‌گوید: "اساس این است که با کاستن از دستمزد لایه‌های بالاتر، هزینه‌ی افزایش دستمزد در لایه‌های پایین‌تر را جبران کنند."

آیا تغییرات بیشتری در راه‌اند؟

منتقدان والمارت، از جمله گروهی از کارگران آن که از حمایت اتحادیه کارگری برخوردارند، می‌گویند که این شرکت دستمزد ناچیزی به کارگرانش می‌پردازد، چندان که برخی از آنان مجبوراند به مساعده‌های دولتی رو بیاورند. این در واقع طریق مؤثری برای برخورداری این شرکت از یارانه است. گروه‌های کارگری از والمارت و دیگر فروشگاه‌های غذایی زنجیره‌ای، خواستار دستمزد حداقلی برابر ۱۵ دلار در ساعت شده‌اند.

والمارت اعلام کرده است که در سال ۲۰۱۵ تغییرات بیشتری را در ساختار دستمزدها اعمال خواهد کرد. اخیراً مدیرعامل آن اعلام کرد که شرکت فرصت‌های بیشتری را برای کارگرانش فراهم خواهد آورد. از جمله این که به پرداخت حداقل دستمزد ۷/۲۵ دلاری فدرال به حدود شش هزار کارگر خاتمه خواهد داد.

ماه گذشته والمارت اعلام کرد که سرمایه‌گذاری در دستمزدها و مراقبت‌های بهداشتی، موجب افزایش ۲/۵ درصد هزینه‌های جاری آن در سومین فصل سال ۲۰۱۴ شده است. با توجه به برنامه‌ی مجدد والمارت برای بهبود خدمات به مشتریانش، بعید به نظر می‌رسد که این شرکت برای کنترل هزینه‌ها دست به اخراج کارگران یا کاهش ساعات کار آنان بزند.

امریکا

خطوط هوایی امریکا: "سود سرشار، اجازه‌ی افزایش دستمزد بیشتری را می‌دهد"

رویتر، ۲۲ دسامبر ۲۰۱۴

روز سه‌شنبه، ۲۲ دسامبر، شرکت «خطوط هوایی امریکا»



ناقد العشری، وزیر نیروی انسانی و مهاجرت مصر در این باره گفت: "این قراردادها حاصل فرصت‌های شغلی‌اند که یا توسط وزارت یا توسط خود کارگران که به کشورهای مختلف، از جمله به عربستان سعودی، کویت، قطر، بحرین، عمان، لبنان، لیبی، یمن، الجزایر، سوریه، ایتالیا و قبرس سفر کرده‌اند، پیدا شده‌اند.



عکسی آشنا، اما از مصر

نام‌برده افزود که در فاصله‌ی مارس تا نوامبر حدود ۱۵۰ هزار فرصت شغلی در خارج کشور توسط وزارت تحت هدایت او عرضه شده‌اند. حدود ۱۰۷ هزار نفر برای این مشاغل اعلام آمادگی کرده‌اند که از این تعداد ۴۵ هزار نفر پذیرفته و دست به کار شده‌اند. ۵۹ هزار نفر هم به شرکت‌هایی که در جست‌وجوی نیروی کار بوده‌اند، معرفی شده‌اند.

طبق آمار دفتر مرکزی بسیج مردمی و آمار، میزان بیکاری در مصر در فصل دوم سال ۲۰۱۴ برابر ۱۳/۳ و در فصل نخست سال ۱۳/۴ درصد نیروی فعال بوده است. ساعات کار متوسط هفتگی ۴۸/۱ برای مردان و ۴۳/۳ برای زنان بوده است.

به موجب تحقیقاتی که توسط بانک جهانی انجام شده و نتایج آن در اکتبر امسال انتشار یافته، رشد استخدام‌ها در مصر سیری نزولی دارد و سالانه ۱/۴ درصد از این رشد کاسته می‌شود. این کاهش در اثر ورود شرکت‌های مرتبط با هم در بخش‌هایی که پیش‌تر در آنها رقابت جریان داشته است، رخ می‌دهد.

این تحقیق همچنین نشان می‌دهد که ۷۱ درصد شرکت‌های مرتبط با هم، که چهار درصد کل شرکت‌های فعال در مصر را تشکیل می‌دهند، محصولات را می‌فروشند که حداقل از طریق سه مانع فنی وارداتی مورد حمایت دولت‌اند.

پارکر در نامه‌ی گفته شده نوشته است: "دستمزد خدمه‌ی پرواز امریکن ایرلاینز حدود هفت درصد بیشتر از خدمه‌ی دلتا و تونایتد خواهد بود." در نامه‌ی دیگری دستمزد خدمه‌ی پرواز با تجربه‌ی کار یک سال، ۲۴/۱۸ دلار در ساعت ذکر شده است.

اعلامیه‌ی شرکت امریکن ایرلاینز در مورد افزایش مضاعف دستمزد خدمه‌ی پرواز، کارگران سایر قسمت‌ها را تحت فشار معینی قرار داده است: پیام این اعلامیه برای آنان این نیز بوده است که پیش‌شرط افزایش دستمزد آنان، بستن قرارداد است. امریکن ایرلاینز امیدوار است که به این ترتیب از سرنوشتی که دیگر شرکت‌ها سال‌هاست با آن دست به گریبان‌اند، پرهیز جوید.

گروه بعدی که در نوبت عقد قرارداد است، خلبانان‌اند. شرکت می‌گوید که مذاکره با آنان خاتمه یافته و آنان را در برابر انتخاب قرار داده است: یا قرارداد نهایی پیشنهاد شده به آنان، یا توسل به «حکمت»، که زودتر از فوریه ۲۰۱۵ نخواهد بود.

شرکت می‌گوید که اگر خلبانان قرارداد پیشنهاد را تا قبل از ۳ ژانویه ۲۰۱۵ بپذیرند، افزایش دستمزدها را از ۲ دسامبر ۲۰۱۴ منظور خواهد کرد.

طبق پیشنهاد شرکت، دستمزد خلبانان حدود ۲۳ درصد نسبت به دستمزد کنونی‌شان افزایش خواهد یافت و در دو سال آینده نیز هر سال سه درصد به حقوق آنان افزوده خواهد شد. ادعای شرکت این است که این میزان بیشتر از آنی است که با «حکمت» نصیب خلبانان خواهد شد.

شرکت همچنین تغییرات مختلفی را در مقررات کار پیشنهاد کرده است، که برخی از آنها نقاط حساسی در جریان مذاکرات بوده‌اند.

جامعه‌ی متحد خلبانان، که خلبانان امریکایی را نمایندگی می‌کند، اعلام کرده است که هیئت ریسه‌ی آن در روز ۲ ژانویه تشکیل جلسه خواهد داد و در این باره تصمیم خواهد گرفت.

مصر

بیش از نیم میلیون قرارداد کار در خارج از مصر

اخبار روز مصر، ۲۱ دسامبر ۲۰۱۴

روز یکشنبه، ۲۱ دسامبر ۲۰۱۴، وزیر نیروی انسانی و مهاجرت مصر اعلام کرد که در فاصله‌ی ژانویه تا نوامبر سال ۲۰۱۴ حدود ۵۹۲ هزار کارگر قراردادی را برای انجام کار در خارج از مصر امضا کرده‌اند. بیش از ۴۰۰ هزار از این تعداد قرارداد در فاصله‌ی مارس تا نوامبر سال جاری میلادی عقد شده‌اند.



بیمه‌ی فرزند سوم خانواده، دست به اعتصاب گسترده کارگری زدند.

به نقل از سخام؛ دولت جمهوری اسلامی به کارگران وعده داده بود که اگر فرزند سوم در خانواده‌ای متولد شود، تحت تکفل بیمه قرار خواهد گرفت، اما با سرپیچی دولت از انجام این وعده، خیل عظیم کارگرانی که دارای فرزند سوم شده‌اند، به دلیل عدم تحقق وعده دولت و تعویق حقوق چندین ماهه خود دست به اعتصاب گسترده کارگری زدند.

بنا به گزارش ارسالی به سخام، این اعتصاب پس از اربعین حسینی در شرکت ایران خودرو دیزل - بزرگ‌ترین شرکت تولیدکننده خودروهای سنگین کشور- اتفاق افتاده است و نگرانی از گسترش آن باعث شده که شورای عالی امنیت ملی دستوراتی را در این خصوص به نهادها و ارگان‌های ذی‌ربط صادر کند.

گفته می‌شود کارگران این کارخانه، پس از تحقیق درباره تعداد بالای سفرهای خارجی مدیرعامل این شرکت و یک باب منزل مسکونی خریداری شده‌ی وی در یکی از کشورهای خارجی، دست به اعتصاب گسترده‌ی کارگری در این کارخانه زده‌اند.

این کارگران اعلام کرده‌اند که تا تعویض مدیرعامل شرکت ایران خودرو دیزل، به اعتصاب کارگری خود و تعطیلی کارخانه ادامه خواهند داد.

طبق اخبار رسیده، شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی از ترس گسترش این اعتصاب، دستوراتی به نهادهای مربوط صادر کرده است.

اخبار کوتاه

بازگشت به کار ۳۰۰ کارگر اخراجی

راک سرامیک

۳۰۰ کارگر راک سرامیک شهرضا (از شهرستان‌های استان اصفهان) اول آذر ماه و در پی پایان قرارداد کارشان اخراج شدند، رییس اداره‌ی کار این شهرستان از تأیید حکم بازگشت به کار این کارگران در هیأت حل اختلاف خبر داد.

کارگران ایران:

جسارت کارفرمایان وابسته به سپاه برای اخراج نمایندگان کارگران

کارگران واگن پارس اعتصاب کردند



نزدیک به ۹۰۰ کارگر واگن پارس اراک در اعتراض به خودداری کارفرما از تمدید قرارداد کار رییس نهاد کارگری این واحد تولیدی، دست از کار کشیده و تولید را متوقف کردند.

منابع کارگری ایلنا گزارش داده‌اند قرارداد کار علی درخشنده‌بخت، رییس شورای اسلامی کار واگن پارس تا پایان آذر ماه اعتبار داشته است. کارگران می‌گویند درخشنده‌بخت تا پایان اردیبهشت ماه سال آینده در شورای اسلامی کار واگن پارس عضویت دارد و از مصونیت نمایندگی برخوردار است بنابراین کارفرما حق اخراج او را ندارد. در همین رابطه یکی از کارگران به ایلنا گفت هر شش عضو شورای اسلامی کار واگن پارس در اعتراض به خودداری کارفرما از تمدید قرارداد کار رییس این نهاد کارگری، قراردادهای جدید خود را امضا نکرده‌اند. او در ادامه بیان کرد: اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل در کارخانه‌ی واگن پارس که از وعده‌های کارفرما برای پایان دادن به اعتراضات صنفی پیشین کارگران بود، متوقف شده است.

لازم به ذکر است قرارگاه خاتم‌الاولیاء سهام‌دار اصلی کارخانه واگن پارس اراک است و تعیین کارفرمای این واحد تولیدی بر عهده این قرارگاه نظامی قرار دارد.

اعتصاب گسترده‌ی کارگری

در ایران خودرو دیزل

هزاران کارگر شرکت ایران خودرو دیزل به دلیل تعویق حقوق ماهیانه‌ی خود و عدم تحقق وعده دولت مبنی بر



رییس روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی کرج گفت: پیش از ظهر روز چهارشنبه‌ی گذشته بر اثر گودبرداری غیر اصولی بخشی از دیوار حیاط مسجد سلمان فارسی در این منطقه فرو ریخت.

وی اظهار داشت: در این حادثه که در منطقه‌ی بلوار شهید حدادی کرج اتفاق افتاد دو کارگر ۲۰ و ۲۷ ساله زیر آوار جان باختند.

مرگ ۲۹۷ کارگر تا پایان مهر

تا پایان مهر امسال ۲۹۷ مورد فوت ناشی از حوادث کار به مراکز پزشکی قانونی استان تهران ارجاع شده است.

به گزارش ایلنا، به نقل از اداره کل پزشکی قانونی استان تهران، این در حالی است که در مدت مشابه سال گذشته تعداد موارد فوت ناشی از حادثه کار ۲۸۲ مورد گزارش شده بود که این رقم رشد سه و نیم درصدی را در سال جاری نشان می‌دهد.

بر طبق این گزارش از کل فوت‌شدگان حوادث کار در هفت ماهه‌ی امسال، ۲۹۴ نفر مرد و سه نفر زن بوده‌اند. هم‌چنین در مهر ماه امسال نیز تعداد فوت‌شدگان این حوادث با ۴/۴۱ درصد کاهش نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۳۴ نفر اعلام شده است.

طبق قوانین موجود حوادث ناشی از کار با دو ویژگی مشخص می‌شوند: حادثی که در حین انجام وظیفه رخ می‌دهد و حادثی که به سبب انجام وظیفه رخ می‌دهد. با بررسی آمارهای منتشر شده در سال‌های اخیر، سقوط از بلندی، اصابت جسم سخت، سوختگی و کمبود اکسیژن از جمله مهم‌ترین عوامل فوت ناشی از حوادث کار در کشور می‌باشند که با رعایت نکات ایمنی به ویژه در موارد کار در ارتفاعات می‌تواند بروز این حوادث را تا حد قابل توجهی کاهش داد.

معادن کرمان همچنان قربانی می‌گیرد

به‌ی گفته‌ی منابع خبری در معدن «همکار» واقع در شهرستان راور کرمان، یک کارگر بخش استخراج این معدن دوشنبه‌ی هفته‌ی گذشته (۲۴ آذر ماه) بر اثر ریزش زغال در دم جان باخت.

کارگران بلورک قزوین پنج ماه حقوق طلبکارند

کارگران کارخانه بلورک استان قزوین از ایجاد یک وقفه‌ی پنج ماهه در پرداخت شدن مطالبات مزدی خود خبر می‌دهند.

به ادعای کارگران بلورک قزوین این احتمال وجود دارد که به‌دنبال کارفرما باعث اختلال در سوابق بیمه‌ای و تمدید دفترچه‌های تامین اجتماعی آن‌ها شده باشد.

اتباع خارجی ساکن ایران از کار در منازل منع شدند

اداره‌ی کل اشتغال اتباع بیگانه با انتشار خبری ممنوعیت استخدام و اشتغال کارگران زن خارجی به خدمتکار منازل در ایران را اعلام کرد.

سالانه بیش از ۱۵۰ هزار مجوز کار برای اتباع خارجی صادر می‌شود که نزدیک به ۶۰ هزار مجوز مربوط به زنان اتباع خارجی است.

📖 حوادث کار



دو کارگر ساختمانی در کرج جان باختند

بر اثر گودبرداری غیر اصولی، یک دیوار بر سر دو کارگر در کرج آوار شد و به مرگ آنان انجامید.



منجمد کردن دستمزدهاست، گرانی نان است، تورم کم شکن بالای ۴۰ درصد است، بیکاری ویرانگر جوانان و اخراج کارگران است، حقوق‌های معوقه‌ی کارگران است، چهره‌های تکیده‌ی کودکان کار است، کارتن‌خوابی زنان است، فقر و فلاکت و گرسنگی و مرگ و جنایت و بیماری لاعلاج فساد است که در حال بلعیدن همه‌ی جامعه است و آتشفشان خشمی است که در دل میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش هر لحظه آماده‌ی انفجار است. آقای حسن صادقی شما نمی‌توانید واقعیت جامعه را انکار و پنهان کنید بوی متعفن ترکیدن هر روزه‌ی غده‌های چرکین اختلاس‌ها، رشوه‌خواری‌ها، رانت‌خواری‌ها، غارت‌ها و چپاول‌های میلیاردری که از جیب ما کارگران به یغما برده شد، هزار مرتبه شدیدتر از آلودگی هوا فضای جامعه را مسموم کرده است. از نظر ما کارگران واقعیتی تلخ‌تر از این نیست که هنوز سال به انتها نرسیده است همه‌ی مایحتاج عمومی از اقلام خوارکی، پوشاک، مسکن و حمل و نقل گرفته تا دارو و درمان و مسکن، به شدت در حال گران شدن هستند. در چند ماه اخیر قبض‌های آب و برق و گاز و تلفن به در هر خانه‌ای می‌رسد ارقام چنان بالا رفته است که بیننده را دچار وحشت و رعشه می‌کند و بدتر از همه‌ی این‌ها گران کردن بیش از ۴۰ درصدی قیمت نان است که پیشاپیش افزایش دستمزد سال آینده را خنثی و پیش‌خور می‌کند. واقعیت‌های جامعه از نظر ما کارگران، سهم مزد ما در قیمت تمام شده‌ی کالا است که زیر پنج درصد است و نود و پنج درصدی است که به جیب مفت‌خوران و سرمایه‌داران می‌رود و این استثمار وحشیانه و غارت دسترنج کارگران به خوبی نشان می‌دهد که طبقه‌ی سرمایه‌دار، نه سطح سودش تنزل کرده است، نه انباشت سرمایه‌اش به خطر افتاده است و این به قیمت دستمزد یک‌چهارم خط فقری است که به کارگران حقه‌ن کرده‌اند و گرسنگی و فقر و فلاکت را به بیش از چهل میلیون کارگر و خانواده‌های‌شان تحمیل کرده‌اند.

صادقی با بیان این‌که "قانون افزایش دستمزد بر اساس تورم موجود، ابتدای دهه‌ی ۸۰ یک سال اجرا و بعد از آن آقای حداد عادل باعث شد نتوانیم این قانون را ادامه دهیم، افزود امسال با وجود تورم ۳۵ درصدی، حقوق ۲۵ درصد افزایش یافت و سال گذشته نیز با وجود تورم ۳۱ و هفت‌دهم درصدی باز هم حقوق ۲۵ درصد افزایش یافته بود و در سال‌های گذشته نیز شاید چیزی شبیه همین آمار را بتوان ارائه کرد و به همین دلیل امروز شاهد عقب افتادگی ۶۹ واحدی حقوق نسبت به دستمزد هستیم" اتفاقاً ما کارگران به همین دلایل بالا منظورمان این است که دستمزد باید بیش از ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان باشد تا با واقعیت‌های جامعه هم‌خوانی پیدا کند.

این دستمزد سهم ما از معاش و زندگی است سهمی است که در طی این ۳۶ سال گذشته همه‌ی دولت‌های وقت و همه‌ی جناح‌های حکومتی با دست بردن در کاسه‌ی کارگر از آن دزدی کردند

ابراهیم ضیاءالدینی، کارگر ۲۹ ساله‌ی این معدن در حین کار در بخش استخراج بر اثر ریزش ناگهانی زغال سنگ کشته شد. شاهدان عینی دلیل این امر را کمبود امکانات ایمنی و هم‌چنین شیب زیاد این کارگاه در حین عملیات استخراج زغال می‌دانند.

به گفته‌ی یکی از کارگران، چند سال پیش نیز یکی دیگر از اعضای خانواده‌ی ابراهیم ضیاءالدینی بر اثر کار در بخش استخراج جان خود را از دست داده بود.

اندیشه

واقعیت‌های جامعه و جنبش اعتراضی کارگران



شاپور احسانی راد:

سایت اتحاد

حسن صادقی معاون دبیرکل خانه‌ی کارگر چند روز پیش در همایش دبیران اجرایی خانه‌های کارگر سراسر کشور در قم چنین اظهار نظر کرد: "منظور ما این نیست که ما بگوییم دستمزد ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان باشد این با واقعیت‌های جامعه هم‌خوانی ندارد بلکه معتقدیم در شرایط کنونی اگر به جای دستمزد ۶۰۷ هزارتومانی، پرداخت نزدیک یک میلیون و ۶۳۵ هزارتومانی می‌تواند تامین‌کننده‌ی هزینه زندگی یک خانوار چهار نفره باشد".

جا دارد از حسن صادقی پرسیده شود چه چیزهای واقعیت‌های جامعه هستند که با دستمزد ۳ میلیون و ۲۰۰ هزارتومانی هم‌خوانی ندارند؟ البته بعید می‌دانم ایشان جواب این پرسش را بدهند. اما ما می‌دانیم از نظر ایشان واقعیت‌های جامعه، همان مصالح و منافع کلان سرمایه‌داران، بانک‌داران، کارفرمایان و دولتی‌ها است. ولی از نظر ما کارگران واقعیت‌های جامعه، آزادسازی قیمت‌ها به بهانه‌ی طرح هدف‌مند کردن بارانه‌هاست،



شریفی مقدم دبیر کل خانه پرستار:

وزیر حسن روحانی در برابر مطالبات صنفی



تجربیات گذشته نشان داده در صورتی که بخواهیم طرحی را با موفقیت به انجام برسانیم باید از سلايق و نگرش‌های مختلف برای پیش‌برد بهتر آن طرح استفاده کنیم نه اینکه با مسلط کردن تک صدایی راه را بر پیگیری مطالبات به صورت قانونی ببندیم.»

دبیر کل خانه پرستار گفت: متاسفانه نگرش وزارت بهداشت و شخص وزیر نسبت به پیگیری مطالبات از طریق نهادهای صنفی مثبت نیست.

محمد شریفی مقدم با اعلام این خبر به ایلنا نگرش وزارت بهداشت به بحث پیگیری مطالبات پرستاری را مغایر با اعتقاد به کار انجمنی و صنفی خواند و گفت: متاسفانه تاکنون نگرش وزیر بهداشت نسبت به کار تیمی و جمعی مثبت نبوده است و موضع گیری‌های ایشان در قبال بدنه‌ی جامعه‌ی پرستاری که پیگیر مطالبات صنفیشان هستند، موید این امر است.

عضو شورای عالی نظام پرستاری هم‌چنین در ارتباط با برخی نگرش‌ها که خانه‌ی پرستار را به عنوان نوعی نهاد موازی با نظام پرستاری در ارتباط با پیگیری مطالبات پرستاران می‌دانند گفت: خانه‌ی پرستار به عنوان یک نهاد صنفی که از بدنه‌ی جامعه‌ی پرستاری تشکیل شده است خواسته‌ها و مطالبات مشخص جامعه‌ی پرستاری را دنبال می‌کند و شیوه‌ی عمل کرد این نهاد تا کنون نشان داده که هرگز به دنبال منافع شخصی نبوده بلکه به صورت کاملاً قانونی مطالبات را از طرق صنفی پیگیری کرده است. بنابراین هرگز به عنوان نهاد موازی با نظام پرستاری عمل نکرده است.

وی افزود: اگر مطالبات بدنه‌ی جامعه‌ی پرستاری از سوی سازمان نظام پرستاری به درستی پیگیری می‌شد شاید تاکنون به نتایج بهتری رسیده بودیم اما به هر دلیلی عملاً هنوز این اتفاق نیفتاده است.

و به ثروت‌های افسانه‌ای نائل شدند. آیا این همه سرکوب مطالبات کارگران در 36 سال گذشته و هزینه‌های میلیاردي آن، توانسته است واقعیت‌های جامعه را پنهان کند؟ اگر این‌چنین بود حالا می‌بایست با یک جامعه‌ی مرده و گورستانی و کارگرانی تسلیم و خاموش مواجه بودیم، ولی حقیقت این است که روزانه در هر کارخانه و مرکز تولیدی کارگران سراپا خشم و عصیان، ده‌ها اعتصاب و تجمع و اعتراض برای مطالبات خود بر پا می‌کنند و هرگز از پای نمی‌نشینند.

صادقی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به انتخابات سال آینده‌ی مجلس شورای اسلامی، گفت: "متاسفانه همه‌ی فعل و انفعالات در حوزه‌ی اشتغال، سرمایه‌گذاری و... در چنبره‌ی مسائل سیاسی گره خورده، بنابراین هرکس قدرت سیاسی را در دست بگیرد می‌تواند آینده‌ی صنفی هم‌صنفان خود را به خوبی پیش ببرد".

شاهد از غیب رسید این گفته‌ی صادقی به روشنی گواهی می‌دهد که هر جناح سیاسی که به قدرت می‌رسد فقط به فکر منافع خود و هم‌پالکی‌های خود است، نه به فکر میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش. بنابراین آقای صادقی و شرکا باید بدانند اگرچه تاکنون توانسته‌اند مانع تشکیل پای کارگران بشوند، اگرچه کارگران معترض را بیکار، اخراج و زندانی کرده و می‌کنند، اگرچه همه‌ی اهرم‌های قدرت و سرکوب کارگران در دستان آنهاست، اما طبقه‌ی کارگر از بین رفتنی نیست.

رکن و پایه‌ی وجودی جامعه، طبقه‌ی کارگر است، کسانی که زندگی را می‌سازند و خود در حسرت زندگی می‌سوزند اما این طبقه برخلاف تمام سیاست‌بازی‌های جناح‌های حاکم، برای دفاع از معیشت، شرف، حیثیت و کرامت انسانی خود، پرچم جنبش معیشتی خود را به اهتزاز در خواهد آورد و با تمام توان و قدرت با اعتراض متحدانه و عمومی خود برای دستمزدی عادلانه و متناسب با سطح استانداردهای روز خواهد جنگید.

ما کارگران ایمان داریم شلاق بی‌رحمانه‌ی واقعیت جامعه با نیروی هر چه قدرت‌مندتر و سهم‌ناک‌تری همه‌ی تباهی‌ها، فقر، فساد و پلشتی‌ها را به کناری خواهد زد و شادی، رفاه، صلح و آزادی را برای ما کارگران به ارمغان خواهد آورد.

شاپور احسانی راد عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و نماینده اخراجی کارگران کارخانه پروفیل ساوه – 30 آذر ماه 93



که توسط کمیته‌ی پیگیری مطالبات پرستاران تهیه شده بود جمع شده است که این امر حداقل بیانگر این است که از نظر تعداد رقمی بیش از آنچه به اطلاع وزیر رسیده است در تجمع حضور داشتند.

عضو شورای عالی نظام پرستاری نگرش وزارت بهداشت به بحث پیگیری مطالبات پرستاری را ضد صنفی خواند و گفت: متأسفانه تاکنون نگرش وزیر بهداشت نسبت به کار تیمی و جمعی مثبت نبوده است.

وی گفت: موضع گیری‌های ایشان در قبال بدنه‌ی جامعه‌ی پرستاری که پیگیر مطالبات صنفیشان هستند، مویید این امر است.

شریفی مقدم خطاب به وزارت بهداشت گفت: تا وقتی اعتراض صنفی پرستاران از سوی وزارت بهداشت به رسمیت شناخته نشود نمی‌توان انتظار داشت روند رسیدگی به مطالبات به سرعت طی شود.

شریفی مقدم همچنین با اشاره به نظرسنجی که قبل از اجرای طرح تحول سلامت در جامعه پرستاری انجام شده است گفت: بیش از ۹۸ درصد شرکت کنندگان در این نظرسنجی (بالغ بر ۲۸۰۰ پرستار) از عملکرد وزارت بهداشت در حوزه پرستاری ناراضی بودند و شورای عالی نظام پرستاری در آن برهه این مسئله را با وزارت بهداشت در میان گذاشت اما از آنجا که متأسفانه مسئولین وزارت خانه، جایگاهی برای کار تیمی قائل نیستند و اعتقادی به مشارکت ندارند هیچکس به نتایج آن نظرسنجی توجه نکرد.

سخنگوی کمیته پیگیری مطالبات پرستاری با اشاره به صحبت وزیر بهداشت مبنی بر اینکه درآمد پزشکان و پرستاران نباید با هم مقایسه شود، گفت: ما نمی‌گوییم با پرستار مقایسه شود، اما، بایستی مبنای پرداخت وجود داشته باشد و معلوم شود که از چه فرمولی تبعیت می‌کند.

عضو شورای عالی نظام پرستاری، گفت: مطالبات پرستاران اکنون دیگر مشخص است. رساندن اختلاف درآمدی تا سه برابر وی گفت: اگر آقای وزیر محترم این مطالبه را به حق نمی‌دانند، می‌خواهیم بدانیم پیشنهاد خود ایشان در ارتباط با نسبت تعرفه‌های پزشکان به پرستاران چقدر است.

وی همچنین به وضعیت پرستاران شرکتی و تاخیر در پرداخت مطالبات حقوقی آنها اشاره کرد و گفت: متأسفانه غیر از اختلاف فاحشی که بین درآمد پزشکان و پرستاران وجود دارد و مشکلات عدیده‌ی دیگری که پرستاران بخش‌های مختلف درمان کشور با آن مواجه‌اند وضعیت برای برخی پرستاران که به غلط تحت عنوان پرستاران شرکتی فعالیت می‌کنند به مراتب بدتر است و پرستاران شرکتی در بسیاری از نقاط کشور ریسک نیست و طبق گزارش‌هایی که به ما می‌رسد در برخی استان‌ها پرستاران دو تا سه ماه حقوق و دریافت نکرده‌اند.

وی گفت: در تمام دنیا اعتقاد به مشارکت و کار تیمی است که می‌تواند مجموعه‌ای را به موفقیت رهنمون کند در همین راستا انجمن‌ها و نهادهای صنفی تشکیل می‌شوند تا آنچه کمتر دیده یا شنیده می‌شود، به صورت قانونی مطرح شود.

شریفی مقدم همچنین به عدم رسمیت یافتن اعتراضات از سوی وزارت بهداشت اشاره کرد و گفت: تا وقتی اعتراض صنفی پرستاران از سوی وزارت بهداشت به رسمیت شناخته نشود نمی‌توان انتظار داشت روند رسیدگی به مطالبات به سرعت طی شود.

شریفی مقدم گفت: تجربیات گذشته نشان داده در صورتی که بخواهیم طرحی را با موفقیت به انجام برسانیم باید از سلاقی و نگرش‌های مختلف برای پیشبرد بهتر آن طرح استفاده کنیم نه اینکه با مسلط کردن تک‌صدایی راه را بر پیگیری مطالبات به صورت قانونی ببندیم.

دبیرکل خانه‌ی پرستار تاکید کرد: با وضعیتی که پیش می‌رود، اعتقاد من بر این است که نظام سلامت ما در حال فروپاشی است. دلیل این حرف این است که اساساً آقایان به کار تیمی و کار کارشناسی و تصمیم گیری جمعی معتقد نیستند. نمونه‌ی آن عدم دخالت دادن بدنه‌ی اصلی نظام سلامت یعنی پرستاران در طرح تحول سلامت است.

وی به ادعاهای مطرح شده در خصوص مشارکت همه جانبه در طرح تحول سلامت اشاره کرد و گفت: آقایان می‌گویند در طرح تحول سلامت از ۲۸ انجمن علمی و تخصصی نظام پزشکی مشورت گرفته‌اند اما دریغ از مشورت با یک پرستار یا کارشناس پرستاری که درد واقعی این فشر را بشناسد.

سخن‌گوی کمیته پیگیری مطالبات پرستاری گفت: ۹۰ درصد خدمات را غیر پزشکان ارائه می‌دهند؛ این ده درصد خدمات پزشکی را هم اگر به صد درصد تبدیل کنیم در آنجا هم ۸۰ درصد خدمات را پزشکان عمومی ارائه می‌دهند که عملاً مشمول این طرح نشدند، و آنها هم مانند پرستاران با مشکلات عدیده‌ای دست به گریبانند.

محمد شریفی مقدم با اشاره به اظهارات اخیر وزیر بهداشت در ارتباط با اندک خواندن تعداد پرستاران معترض در تجمع مقابل نهاد ریاست جمهوری گفت: روز ۲۲ آذر ماه بیش از دو تا سه هزار نفر از پرستاران در سراسر کشور و مراکز بزرگ آن مانند فارس، مشهد، یزد و مشهد و به نشانه‌ی اعتراض به وضعیت حاکم بر نظام سلامت کشور در مقابل دانشگاه‌های علوم پزشکی و برخی از بیمارستان‌ها تجمع کردند اما وزیر بهداشت با تقلیل تعداد تجمع کنندگان به ۱۰۰ تن آنها نمایندگان واقعی جامعه‌ی پرستاری نمی‌داند.

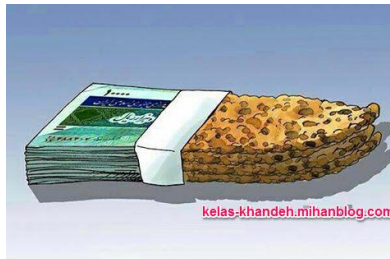
وی ادامه داد: جهت اطلاع ایشان باید عرض کنم تنها در تهران ۱۰۸۰ امضاء همراه با مهر ذیل طوماری



مقاله

بررسی گرانی نان در آذر 93

(قسمت اول)



هاله صفرزاده

کانون مدافعان حقوق کارگر

نان ماده‌ی غذایی اصلی کارگران، زحمتکشان، مزد و حقوق بگیران است و در سفره‌ی آنان، جایگزین مواد غذایی‌ای می‌شود که صاحبان آن سفره‌ها، توان خرید و تهیه‌ی آن مواد را ندارند، موادی مانند گوشت، لبنیات، میوه و سبزیجات و...

با افزایش قیمت نان امکان این جایگزینی از اکثریت قاطع مردم گرفته می‌شود و می‌توان نتیجه را پیش‌بینی کرد. مردمی که نان نداشته باشند، مرگی تدریجی را پیش روی خود تصور می‌کنند پس چیزی برای از دست دادن ندارند و به هر شکل ممکن اعتراض‌شان را بیان خواهند کرد. نان قوت لایموت مردم تهی‌دست است و در تاریخ بارها مردم گرسنه که حتا نانی برای خوردن نیافته‌اند دست به شورش زده‌اند، شورش‌هایی که به شورش گرسنگان معروف است. یکی از این نمونه‌ها شورش نان در سال 1321 است. (که در ادامه مروری مختصر بر آن خواهیم داشت)*

9 آذر ماه امسال، خبری مبنی بر افزایش قیمت نان منتشر شد و به دنبال آن از فردایش نان گران شد. ابتدا 40 و بعد 30 درصد. به جز خود افزایش قیمت نان، شیوه‌ای که در مورد این افزایش قیمت اطلاع رسانی می‌شود نیز قابل توجه است. گفته‌های دولتیان در این زمینه مبهم و گاه متناقض است. **این شیوه‌ی اطلاع‌رسانی در واقع آماده‌سازی ذهنی مردم از طریق انحصار رسانه‌ها است تا هنگامی که در یک شب با یک اطلاعیه نان گران شد، مردم هیجان زده نشده و دست به اقدامات ناگهانی نزنند.**

این مسئله به خوبی می‌تواند نشان دهد که چرا در اعلام افزایش قیمت نان این چنین اطلاع‌رسانی می‌شود و یا گران شدن آن را با تعلل و صبوری انجام می‌دهند.

وی همچنین از تشکیل کمیته‌های مشابه با کمیته پیگیری مشکلات جامعه پرستاری در برخی نقاط کشور خبر داد و گفت: واقعیت این است که جامعه‌ی پرستاری کشور به شدت ناراضی و ملتهب است و از طریق این کمیته هم پیگیر مطالباتشان هستند اما تصمیمات اصلی را بدنه‌ی جامعه‌ی پرستاری خواهد گرفت، که امیدواریم هرچه سریع‌تر به نتیجه برسد.

وی در پایان گفت: مسولین وزارت بهداشت چاره‌ای ندارند جز اینکه به خرد جمعی و کار تیمی احترام بگذارند و حقوق پرستاران برای پیگیری مطالباتشان به طرف صنفی و قانونی را به رسمیت بشناسند.

اقتصاد ملی

هزینه یک خانوار تهرانی 2 میلیون و 280 هزار تومان



به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، بر اساس آخرین آمار مرکز آمار ایران در سال 1392، تهران با متوسط هزینه زندگی 2 میلیون و 280 هزار تومان برای هر خانوار پرهزینه‌ترین شهر ایران است.

از این هزینه 2 میلیون و 280 هزار تومانی خانوارهای تهرانی، ماهیانه یک میلیون و 840 هزار تومان صرف هزینه‌های غیر خوراکی چون اجاره بها، آب و فاضلاب، سوخت و روشنایی، لوازم و اثاث منزل، خدمات بهداشتی و درمانی، حمل و نقل و غیره شده و تنها 445 هزار تومان در ماه صرف مواد خوراکی و دخانی خانوارها می‌شود.

بر اساس این آمار قم کم‌هزینه‌ترین شهر ایران است که متوسط هزینه زندگی ماهانه یک خانوار کمی حدود یک میلیون و 50 هزار تومان است. همچنین بعد از قم، کم هزینه‌ترین شهر ایران، همدان است که متوسط هزینه ماهیانه برای یک خانوار در این شهر حدود یک میلیون و 90 هزار تومان است.



سناریوی دیگر این است که قیمت آرد افزایش یافته و تغییری نیز در قیمت نان ایجاد شود اما باز هم گفته شد که "در مجموع هنوز جمع بندی مشخصی در خصوص تغییر قیمت نان در دولت صورت نگرفته و هنوز قیمت گذاری آرد و قیمت نهایی انواع نان نهایی نشده است".

حدود دو ماه بعد در ۱۴ آبان ۱۳۹۳ مصوبه گرانی نان به تصویب هیات وزیران رسید. در این مصوبه آمده بود که نان از اول آذر ۹۳، حداکثر به میزان ۳۰ درصد جهت جبران تعدیل قیمت گندم و افزایش سایر هزینه‌های دو سال اخیر کارخانجات آسیابانی و نانوییها نسبت به قیمت‌های رسمی و مصوب سال ۱۳۹۲ در سراسر کشور افزایش می‌یابد". (۳) مشاور معاون اجرایی رییس جمهور با تأیید اینکه افزایش ۳۰ درصدی قیمت نان از اول آذر مصوبه هیات وزیران است، گفت: "دولت بنا به مصالحی فعلاً جلوی ابلاغ و اجرای این مصوبه را گرفته است".

به دنبال آن مشاور معاون اجرایی رییس جمهور زمان دقیق گرانی نان را اعلام کرد. اما هم زمان یا بلافاصله بعد از این مصاحبه گفته شد: «دولت هیچ تصمیمی برای افزایش قیمت نان ندارد و یارانه خرید گندم را همانند سابق پرداخت خواهد کرد... اما این اجازه را به نانوایان در استان‌های مختلف نیز خواهد داد تا براساس اقتضات هر استان به منظور جبران مابه‌التفاوت افزایش هزینه‌های جانبی، قیمت نان را تا حداکثر ۳۰ درصد افزایش دهند؟!

در واقع با این نوع اطلاع‌رسانی گناه گران شدن نان به گردن نانوایان افتاد. در افزایش اولیه ی قیمت نان هم مقصر اصلی مردم بودند که نان‌های بی‌کیفیت را دور می‌ریختند و البته کارگران نانوایان که نان بی‌کیفیت در اختیار مردم قرار می‌دادند.

در ۸ آذر ۱۳۹۳ نیز رییس انجمن کانون آرد و نان اعلام کرد که [نانوایان خودسرانه قیمت‌ها را افزایش داده‌اند/ دولت در حال بررسی افزایش قیمت است.](#)

در ۱۱ آذر ۹۳، خبرگزاری فارس در گزارشی نوشت: "برخی روزنامه‌های امروز با برجسته کردن افزایش شبانه قیمت نان به تناقض‌گویی دولت در این زمینه انتقاد کردند اما برخی دیگر از رسانه‌ها سعی کردند تنها با اعلام قیمت جدید نان از کنار این مسئله بگذرند و در ادامه‌ی گزارش به برخورد روزنامه‌های مختلف با این مسئله پرداخته است:

وطن امروز چنین نوشت: با وجود پنهانکاری دولتی‌ها و اظهارات مبهم و متناقض، قیمت نان از دیروز در نقاط مختلف کشور افزایش یافت. در حالی که انتظار می‌رفت مسئولان برای رویداد مهمی مانند افزایش قیمت نان بخشنامه و اطلاعیه رسمی منتشر کنند و مردم را از جزئیات آن باخبر کنند، به اظهارات مبهم، پنهانکاری و تناقض‌گویی روی آوردند تا شبانه نان گران شود".

بیش از سی ماه بود که نان افزایش قیمت نیافته بود به رغم این که در این مدت قیمت سایر اقلام مورد نیاز مردم را بارها و بارها بالا برده بودند. ربودن آخرین قوت لایموت از سفره‌های مردم زحمتکش و ترس از شورش، دولتمردان را در این امر محتاط می‌کند.

زرمه‌های گران شدن نان از اسفند سال ۹۲ آغاز شد. این گران شدن در راستای اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها قرار داشت. در مطبوعات آن روزها از لزوم اطلاع‌رسانی دقیق به مردم در این زمینه صحبت شده بود. در این راستا بحث خرید گندم هم موضوعی مطرح بود، این که چه نهاد دولتی مسوول انجام این کار خواهد شد: وزارت جهاد کشاورزی یا وزارت صنعت، معدن و تجارت؟

در این خبرها آمده بود که تا پایان سال ستاد هدفمندی یارانه‌ها در باره افزایش قیمت نان، تصمیم‌گیری خواهد کرد که در صورت تصویب، افزایش قیمت نان از ابتدای فروردین سال آینده ۱۳۹۳ اجرا خواهد شد. اما در کنار آن گفته شد که "هنوز ستاد هدفمندی یارانه‌ها تصمیم جدیدی در این زمینه نگرفته است".

گفتنی است یارانه نان از آذر ماه ۱۳۸۹ و ماهانه نفری ۴ هزار تومان به حساب سرپرستان خانوارها واریز شده بود. در همان حال هم بحث‌هایی درمورد این که مجلس در نظر دارد یارانه‌ی نان در سال ۹۳ را به طور کامل قطع کند و آزادسازی قیمت نان به طور کامل انجام شود، در مطبوعات به چشم می‌خورد. در این خبرها صحبت از افزایش ۳۰۰ تومانی نان بود. در اسفند ۹۲ هر کیلو آرد به قیمت ۵۶۰ تومان در اختیار نانوییها قرار می‌گرفت که قیمت آن در بازار آزاد ۱۲۰۰ تومان بود. (۱)

در خبر دیگری به این مسئله اشاره شده که "مجلس بر این باور است که باید یارانه پرداختی به بخش گندم و آرد متوقف و تمامی یارانه این بخش به مصرف‌کننده پرداخت و قیمت نان به صورت آزاد تعیین شود. بر همین اساس این احتمال وجود دارد که با حذف یارانه نان ستاد هدفمندی یارانه‌ها در باره‌ی افزایش قیمت نان در سال آینده تصمیم قطعی گرفته و افزایش قیمت از اول فروردین ماه اعمال شود. آیا اینکه دولت اساساً در همان زمان یارانه ای برای نان پرداخت می‌کرد مورد تردید است. زیرا قیمت فروش آرد به نانوایان هم طراز با قیمت جهانی گندم بود.

به مناسبت هفته‌ی دولت، رییس سازمان صنعت معدن و تجارت استان تهران از بررسی ۳ سناریو درباره قیمت نان در کشور خبر داد و گفت: دولت در حال بررسی این سناریوها است تا در مورد قیمت نان به جمع‌بندی برسد. او، یکی از سناریوهای مطرح شده در مورد قیمت نان را عدم تغییر در قیمت گندم و آرد دانست و گفت: در این صورت، دولت خود مستقیم به گندم و آرد یارانه پرداخت می‌کند و در نتیجه قیمت نان افزایشی نخواهد یافت.



خود دولت طی سال های گذشته تقریباً به طور متوسط سالی 11 هزار میلیارد تومان یارانه بابت مابه‌التفاوت خرید گندم و آنچه به کارخانه آرد می‌فروشد پرداخت می‌کند.

به دنبال آن اقدامات نمایشی برای کاستن از تبعات افزایش نان با افزایش بازبدها از نانوانی ها آغاز شد: «با شناسایی 5 متخلف، رییس اداره صنعت، معدن و تجارت شهرستان ساری مهمترین هدف این بازرسی ها را نظارت بر کمیت نان عنوان کرد و افزود: در این بازرسی‌ها تعداد 5 واحد متخلف به اتهام کم فروشی شناسایی و به مبلغ 2 میلیون و 300 هزار ریال تشکیل پرونده شد. رییس اداره صنعت، معدن و تجارت شهرستان ساری افزود: این بازرسی ها در ساعت اولیه صبح و همچنین در عصر ها ادامه خواهد داشت و با نانوایان متخلف برخورد خواهد شد. (6)

اما سئوال مردم این است که در ماه های قبل این بازرسی‌ها چه می‌کردند؟

روزنامه جمهوری اسلامی گران کردن نان را با هدف رفع کسری بودجه دولت دانسته و نوشته است: صدور مجوز افزایش قیمت نان توسط دولت، انتقاداتی را متوجه قوه مجریه و شخص رئیس جمهوری کرده است. وجه مشترک این انتقادات این است که با افزایش متوسط ۳۰ درصدی قیمت نان، فشار اقتصادی بیشتری بر طبقه فرودست جامعه وارد می‌شود چرا که سهم نان در سبد خرید و سفره این قشر بسیار بیشتر از سایر طبقات است... به نظر می‌رسد دولت می‌توانست به شیوه دیگری کسری بودجه خود را مدیریت کند که به اقشار ضعیف فشار وارد نشود و با عدالت اجتماعی سازگار باشد. در ادامه حذف ده میلیون نفر از دریافت یارانه نقدی را مطرح و نوشت که: «حذف این تعداد از فهرست یارانه‌بگیران بالغ بر ۵۵۰۰ میلیارد تومان صرفه‌جویی برای دولت در یک سال به دنبال دارد. به عبارت دیگر اگر کل یارانه غیرمستقیم پرداختی برای نان را ۱۰ هزار میلیارد تومان در نظر بگیریم، بیش از نیمی از این مبلغ تنها با حذف بخشی از افرادی که نیازی به دریافت یارانه ندارند، تأمین خواهد شد. در این صورت حتی با فرض اینکه امکان تأمین ۴۵۰۰ میلیارد تومان دیگر فراهم نباشد، نیازی به افزایش ۳۰ درصدی قیمت نان نخواهد بود و می‌توان ۱۵ درصد افزایش را اعمال کرد.

به نظر می‌رسد دولت یازدهم باید محافظه‌کاری را در اتخاذ تصمیمات درست اقتصادی کنار بگذارد و به روند غیرعادلانه و نادرست سال‌های اخیر در مورد پرداخت یارانه نقدی پایان دهد».

در سرمقاله آفتاب یزد، تحت عنوان «گران کنید اما توهین نکنید» این سوال مطرح شد که: «به چه دلیل و توجیهی پیش از این گرانی، مقامات مختلف دولتی و در رأس آن سخنگوی دولت هرگونه افزایش قیمت تا پایان سال را رد می‌کند؟ اگر خاطر شریف مقامات دولتی باشد یکی از شعارهای انتخاباتی‌شان «راستگویی» بوده است، آنان می‌بایند که «دولت راستگویان» را تشکیل داده‌اند اما اکنون این نحوه گران کردن نان در تناقض آشکار با این شعار است.

شاید عنوان شود این نحوه گران نمودن نان از سوی دولت حربه‌ای برای کنترل جو عمومی بوده است که باید گفت مقامات دولتی در این باره سخت در اشتباه هستند. اگر آقایان پاستورنشین نمی‌دانند باید بدانند که حداقل بخشی از مردم پس از این روش گران کردن نان به این نتیجه رسیدند که این دولت نیز با دولت قبلی تفاوتی ندارد و درب بر همان پاشنه قبلی می‌چرخد! (4)

ایران اکنون می‌تواند در خبری تحت عنوان قیمت جدید نان پس از گران شدن، از قول رییس اتحادیه تولیدکنندگان نان صنعتی در رابطه با موضوع اصلاح قیمت گندم، آرد و نان، نوشت: در حالی که دولت طبق قانون هدفمندی یارانه‌ها موظف شده قیمت نان را به یک باره آزاد اعلام کند، بحث اصلاح مرحله‌ای گندم، آرد و نان مورد بررسی قرار گرفت. در سال جاری گندم به قیمت کیلویی 1050 تومان خریداری می‌شود و در سال آینده قرار شده گندم کیلویی 1150 تومان خریداری شود که دولت در حال حاضر گندم را با قیمت 465 تومان به فروش می‌رساند که با اصلاح قیمت‌ها این رقم به کیلویی 650 تومان افزایش یافت و با این تفاسیر دولت همچنان کیلویی 600 تومان مابه‌التفاوت پرداخت می‌کند. (5)

اما برای این که مردم دلخوش نکنند، در همین خبر آمده بود که: «این افزایش نان سبب نخواهد شد که میزان یارانه نقدی افزایش یابد اما مانند همیشه قول افزایش کیفیت نان داده می‌شود. قولی که مانند همیشه چند روزی بعد از افزایش قیمت‌ها عملی شده و بعد به راحتی به بوته فراموشی سپرده می‌شود.

گفته می‌شود با حذف کامل یارانه‌ی آرد و گندم و نان «کیفیت نان کاملاً رقابتی خواهد شد؟! قیمت رقابتی، کیفیت رقابتی؟ خبررسانی رقابتی؟ خلاصه قرار است در اجرای فاز های حذف یارانه‌ها همه چیز رقابتی شود!

تنها هنگام گران کردن نان است که دولتمردان یاد مصرف‌کنندگان و شکایات آنان از کیفیت نان می‌افتند. معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت گفت: «مصرف‌کنندگان در بخش کیفیت نان در واقع رضایت آن چنانی ندارند. بعضی از افراد به دلیل اینکه سایز نان‌ها کوچک شده و یک مقدار کیفیت نان مطلوب آن چیزی که می‌خواهند نیست، ناراحت هستند.



زیرا به گفته مقامات ارشد وزارت صنعت، معدن و تجارت این افزایش ۳۰ درصدی مقدمه‌ای است تا برخی ناوایی‌ها به طور کامل در قیمت‌گذاری نان تولیدی خود آزاد بوده و آرد را نیز از دولت آزاد بخرند؛ طرحی که قدرت خرید مردم، حلقه مفقوده آن است. اما با وجود این تناقض‌گویی‌ها نان از ده آذر ماه گران شد. (7) در خبر دیگری هم از احتمال تعیین بهای جدید آن به صورت استانی صحبت و عنوان شده بود که بیشترین افزایش قیمت نان در تهران صورت خواهد گرفت و هر استانی با توجه به سطح برخورداری، قیمت نان در آنجا تعیین خواهد شد همچنین در استان‌های کم برخورداری کمترین افزایش قیمت اعمال خواهد شد.

خبرگزاری ایسنا هم در خبری که بعد از مدتی از سایت این خبرگزاری حذف شد، به نقل از یکی از اعضای هیات مدیره اتحادیه نان‌گزارش داد که "قیمت گندم خبازی که دولت برای کارخانه‌های آرد در نظر گرفته بود از ۴۶۵ تومان به ۶۶۵ تومان افزایش پیدا کرده است و به تبع افزایش قیمت گندم، قیمت آرد و نان نیز به زودی تغییر خواهد کرد." (8)

ادامه دارد.....